خبر

تخلفات موتورسواران در «شهر امن»!

امروز برنامه تلویزیونی شهر امن به تخلفات خطرساز موتورسواران مانند ورود به خط ویژه، حمل بار نامتعارف، استفاده نکردن از کلاه ایمنی و ... می‌پردازد .مجتبی احمدی کارگردان و تهیه‌کننده برنامه شهر امن گفت: در برنامه روز شنبه با حضور سرهنگ حمید طریقت، فرمانده یگان عملیات پلیس راهور تهران بزرگ به تخلفات موتورسیکلت‌سواران تهرانی و البته رصد پلیس و آمار و ارقام حوادث و تلفات ناشی از آن خواهیم پرداخت .تهیه‌کننده برنامه شهر امن افزود: در برنامه گذشته موتور سیکلت سواران که با استقبال مخاطبان همراه بود، بحث مخدوشی پلاک موتورسواران و انتقال آنها به پارکینگ مدنظر بود که با سوالات بسیار مخاطبان در خصوص دیگر تخلفات موتورسواران بخصوص تردد در پیاده‌رو، حمل بار اضافی یا نامتعارف، ورود به خط ویژه و... همراه بود که در برنامه شنبه به آنها جدی‌تر خواهیم پرداخت .وی گفت: قابل ذکر است که بخش اعظمی از تصادفات فوتی پایتخت به موتورسواران مرتبط می‌شود و در این برنامه به انواع تخلفات منجر به حادثه در خصوص موتورسواران و البته اقدامات پلیس در این ماجرا می‌پردازیم. برنامه شهر امن با اجرای محمودرضا قدیریان روزهای زوج حوالی ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه از گروه تهران و شهروندی روی آنتن شبکه ۵ سیما می‌رود.

گپ

پوریا شکیبایی در گفت‌وگو با «جام جم»:

به لطف حبیب، بُعد پنهان وجودم را زندگی کردم

نرگس کیانی
گروه رسانه

کلماتش خاصِ خودش هستند و آنجا که می‌گوید: «هرچه آید، خوش آید و فردا هم برای مردن خوب است» ناخودآگاه لبخند به لب‌تان می‌نشاند، صدایش و صورتش هم مختص خودش است. هرچند طرحی از پدر؛ زنده‌یاد خسرو شکیبایی نیز در ذهن زنده می‌کند.

پوریا شکیبایی اگرچه سابقه تئاتری پر و پیمانی داشت اما نخستین سریالی که با آن جلوی دوربین رفت به شهرتی بیش از پیش در میان تماشاگران تلویزیون رساندش؛ «برف بی‌صدا می‌بارد» نام اثری بود که شکیبایی در آن نقش حبیب کیانی را بازی کرد؛ یک بدمن تمام عیار که مخاطب پیگیر تلویزیون با آن همراه شد. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی روزنامه جام‌جم با پوریا شکیبایی است که می‌گوید جایی که حبیب کیانی ایستاده جای خوبی نیست. او رفتن به آنجا را به هیچ کس توصیه نمی‌کند و کشیدن زجری که او می‌کشد را برای هیچ کس نمی‌خواهد.

شاید بخشی از کسانی که شما را در نقش حبیب‌کیانی سریال «برف بی‌صدا می‌بارد» دیده‌اند از سابقه تئاتری‌تان و این که حضور روی صحنه تئاتر چه آورده‌های بسیاری برایتان داشت، بی‌اطلاع باشند. می‌خواهم ابتدا از آنچه از صحنه تئاتر با خود جلوی دوربین این سریال تلویزیونی آوردید، بگویید.

من زمانی که بعد از مهاجرتی ۸ ساله به ایران برگشتم بی آن که به کسی چیزی بگویم یا این نکته را در مصاحبه‌ای مطرح کنم، براساس آنچه پدرم به من گفته بود، به سوی بازیگری در تئاتر سوق پیدا کردم. پدرم همیشه می‌گفت بازیگری از تئاتر شروع می‌شود و من پیش از آن که روی صحنه بروم، تصمیم به حضور در کلاس‌های اساتید این حوزه داشتم و حتی برخی از آنها می‌توانند شهادت بدهند که من با آنها تماس گرفتم و می‌خواستم نزدشان تلمذ کنم، کاری که هنوز هم که هنوز است مایل به انجام‌دادنش هستم و تاکید می‌کنم گمان نکنید چون مدت زمانی از آن گذشته است فکر می‌کنم دیگر نیازی به انجامش ندارم. با تاکید بر این که هنوز خیلی چیزها را نمی‌دانم و خرده‌پا هستم و در سالیان سالی که پیش رو دارم خواهم آموخت اما آن چیزهایی را هم که می‌دانم، تمام و کمال از تئاتر است؛ زلال‌ترین چشمه عرصه بازیگری که خلوصش را در جان شما هم خواهد نشاند و آن قدر می‌سابدتان، آن قدر صیقل‌تان می‌دهد، آن قدر تمام ناصافی‌ها و تیزی‌ها و کجی‌هایتان را از شما می‌گیرد که در نهایت این عنایت به شما خواهد شد که تبدیل به بازیگری شوید که نقشی را چنان ایفا کنید که مقبول تماشاگر بیفتد و این اتفاق از نظر من جز با روی صحنه تئاتر رفتن رخ نخواهد داد یا دست‌کم در قاموس من، جز این نیست و گمان می‌کنم هر بازیگری هم که این تجربه را از سر نگذرانده است، یک روز برخواهد گشت و بودن روی صحنه تئاتر را تجربه خواهد کرد. بنابراین در یک کلام، من، پوریا شکیبایی، هرچه دارم از تئاتر دارم و در کنار آن از بسیار دیدن؛ چرا که من بی‌شمار فیلم می‌بینم و در کنار آن، خواندن هم بسیار به یاری‌ام آمده است.

پس با توجه به سابقه تئاتری پروپیمان زنده‌یاد خسرو شکیبایی، می‌توان گفت جدا از نقشی که از صدا و سیمای او بر حنجره و چهره‌تان نشسته است، علاقه و اشتیاقی که هنگام صحبت در مورد تئاتر در کلمات‌تان جاری است هم از اوست که به شما رسیده است؟

دقیقا. بی‌شک چنین است. چراکه من از ابتدا می‌شنیدم و می‌دیدم که وقتی پدرم، به عنوان مثال، در حال صحبت با دوستان‌شان هستند، پیشنهاد بازی در تئاتر را مقدم بر هر پیشنهاد دیگری می‌دانند یا هنگامی که با من صحبت می‌کنند نیز همیشه می‌گویند بازیگر یعنی اول، تئاتر و... در مجموع عشق ایشان به تئاتر و لطف تئاتر به ایشان، جنون‌آمیز بود و از آنجا که هرکدام، ناخودآگاه، پا جای پای پدرمان می‌گذاریم، پس این ویژگی به شکلی موروثی به من نیز رسیده است. شاید برای‌تان جالب باشد که در کنار صحبت از لطایف این عشق جنون‌آمیز، از دشواری‌هایش نیز بگویم و به عنوان مثال اشاره کنم که در طول اجرای هرکدام از نمایش‌هایی که به عنوان بازیگر روی صحنه‌شان رفته‌ام، هر شب پیش از اجرا با خود گفته‌ام غلط کردم و دیگر نمی‌کنم! بعد روی صحنه که می‌روم و حال خوبش که در جانم می‌نشیند، همه چیز را فراموش می‌کنم و دوباره فرداشب، پیش از اجرا همان حال را دارم.

نمی‌دانم پاسخ به این سؤال چه میزان امکان‌پذیر است اما هنگامی که قرار شد برای ایفای نقش حبیب جلوی دوربین بروید، چه میزان و چه مواردی از داشته‌های پیشین‌تان را در کاسه این نقش گذاشتید؟

آنچه می‌گویم نه از سر تواضع و فروتنی که از صمیم قلب است؛ من نه داشته‌ای آنچنانی دارم و نه توشه‌ای قابل اعتنا و نه به آن اندازه‌ای هستیم که بخواهم بگویم از فلان جا برداشتم و در کاسه حبیب گذاشتم، معتقدم آنچه در رابطه من و حبیب رخ داد، کاملا شهودی و قلبی بود. درواقع به اعتقاد من، شما فقط کافی است که از آن کاراکتر بخواهید بپذیردتان و شما نیز آن کاراکتر را بپذیرید تا یک همکاری مشترک میان‌تان شکل بگیرد. شما باید بپذیرید که کاراکتر از شما جداست و پیمودن مسیر برای نزدیک شدن به او، وظیفه‌ای است که بر گردن شما گذاشته شده است. اتفاقی که احتمال وقوعش به همان میزان است که عدم احتمال وقوع آن و به همین دلیل است که زمانی نقشی را نه‌چندان درخشان و زمانی بسیار درخشان ایفا می‌کنید و گویی همه چیز با هم چفت شده است. بنابراین به عقیده من این نکته‌ای است که کار بازیگر را بالا و پایین می‌کند وگرنه همه بازیگران برای ایفای نقشی که بر عهده‌شان گذاشته شده است به یک اندازه می‌کوشند و اساسا نمی‌شود برای بازی در نقشی زمان و انرژی نگذاشت و به مثابه امری سردستی با آن برخورد کرد، همه در حال زحمت کشیدن هستند، منتها همان چفت و بستی که به آن اشاره کردم، گاهی جور درمی‌آید و گاهی نه که گمان می‌کنم در مورد حبیب تا حدودی جور درآمده است.

اشاره کردید آنچه رخ داده، شهودی و قلبی است و نمی‌توانید بگویید چه چیزهایی از پوریا شکیبایی در کاسه حبیب کیانی گذاشتید اما آنهایی که شما را از نزدیک دیده باشند، می‌دانند آن انرژی مثبت که از پوریا شکیبایی ساطع می‌شود، آنقدر هست که بتوان با اطمینان گفت فاصله حبیب کیانی با شما و درواقع فاصله فضیلت‌های اخلاقی شما تا رذیلت‌های اخلاقی این کاراکتر، آنقدر است که مسیری طولانی را برای رسیدن به او پیموده‌اید. این فاصله چگونه پرشد؟

با سختی بسیار زیاد. من خیلی از کارهای حبیب را نه می‌پسندم و نه می‌پذیرم. شاید برایتان جالب باشد که بشنوید من، آدمی هستم که در کل از ازل و از بُن، همواره در زندگی محبت دیده‌ام. در خانواده ما، میان پدرم و مادرم، همواره عشقی بوده که به جرات می‌توانم بگویم زمانی در سینما زبانزد بوده است و هیچ‌گاه نمی‌توانم این میزان بی‌رحمی و رذیلت اخلاقی را در وجود کسی بپذیرم. چراکه در زندگی‌ام بیش از هر چیز فضیلت اخلاقی دیده‌ام و برای رسیدن به توانایی نشان دادن این رذیلت‌ها، تلاش بسیار کرده و روزها و شب‌های عجیبی را گذرانده‌ام. پوریا آذربایجانی، کارگردان «برف بی‌صدا می‌بارد» می‌تواند شهادت دهد که من چه لحظات و روزهایی را با حال بد در پشت صحنه این سریال گذراندم. هرچند به هرحال گذشت و من توانستم این بُعد پنهانی از وجودم را به لطف حبیب کیانی زندگی کنم. هم‌اکنون راضی‌ام از این‌که آن رذیلت اخلاقی را هم زندگی کردم و بر تجربه زیسته‌ام افزوده شد، هرچند به جرات می‌توانم بگویم جایی که او بود، جای خوبی نبود و رفتن به آنجا را به هیچ‌کس توصیه نمی‌کنم. درواقع تحمل زجری را که او می‌کشید، برای هیچ‌کس نمی‌خواهم.

می‌خواهم تاکیدتان را بر اهمیت خانواده به خاطره‌ای وصل کنم که زمانی از پدرتان تعریف کرده بودید. شما چنین گفته بودید: «پدر در آخرین لحظات زندگی که در بستر بیماری بود، ناگهان مرا صدا کرد و به من گفت: «تو پسر منی؟» و پس از آن بدون این که دیگر سخنی بگوید، چهار سیلی محکم به گوش من نواخت. او گفت: «این در حالی بود که من تا این سن حتی یک‌بار هم از خسرو شکیبایی سیلی نخورده بودم و به هیچ شکل تنبیه بدنی نشده بودم. پوریا شکیبایی گفت: «در آن لحظات، اولین و آخرین سیلی‌های پدر بر من نواخته شد، گویی می‌دانست باید برود و می‌خواست مرا بیدار کند که از این پس بدون تکیه بر پدر باید بار زندگی را به دوش بکشم و این خاطره عجیب و بزرگی برای من بود.»

بله زمانی که آن اتفاق رخ داد، من، شاید سال‌ها در موردش فکرکردم که چرا این‌طور و به این گونه شد و تنها چیزی که به ذهنم رسید همین هشدار برای بیداری و به دوش کشیدن بار خانواده به تنهایی بود.

این روزها مشغول چه کاری هستید؟

در حال حاضر هیچ. چون گمان می‌کنم الان برای من فصل سینما نیست و شاید کمی دیرتر شروع شود، شاید هم اصلا شروع نشود، هرچه آید خوش آید، فردا هم برای مردن خوب است.

مکث

دور می‌شویم، دور

پوریا آذربایجانی، کارگردان «برف بی صدا می‌بارد»، در برنامه «سریالیست»، این سریال را در وهله نخست و پیش از تلاش برای سرگرم کننده‌بودن، اثری برای نشان دادن اهمیت جایگاه خانواده و لزوم حفظ آن توصیف کرده بود. از پوریا شکیبایی، بازیگر نقش حبیب کیانی در این سریال، می‌پرسیم نظر او در این مورد چیست و او به جام جم می‌گوید: «به عقیده من، در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که به سوی دور شدن از هم سوق پیدا می‌کنیم و این دور شدن در بستر خانواده‌ها بیش از گذشته مشخص است. در واقع آن واحدی که به نام خانواده می‌شناختیم، آن همبستگی میان خواهرها و برادرها و فرزندان و والدین کمتر از قبل مشاهده می‌شود و پوریا آذربایجانی نیز تلاش کرد نقطه آغاز این سردی را با این اختلاف نشان دهد. شما در سریال، بارها از زبان شکیبایی بزرگ می‌شنوید که یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌هایش از بین رفتن بنیان‌های خانواده و متلاشی شدن آن است، اتفاقی ناخوشایند که با درگذشت او و از بین رفتن ستون خانواده سرانجام رخ می‌دهد. همه ما برای گذران زندگی روزمره تلاش می‌کنیم و در مسیر این تلاش، لحظه به لحظه تنهاتر می‌شویم و با هم بودنی را که می‌تواند موجب خشنودی مان شود، کمتر و کمتر تجربه می‌کنیم و این فردیت ما را به سوی انزوا خواهد برد و چشم اندازی را رقم خواهد زد که تیره و تاریک است.»

یادداشت

ویژگی‌ها و رخدادهای محرم از نگاه سیما

همدلی «محرمی» رسانه ملی با مردم

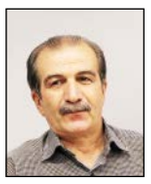

جبار آذین
منتقد و مدرس

مناسبت‌های ملی و دینی و آیین‌ها و سنت‌های فرهنگی و اجتماعی در تولیدات صداوسیما، جایگاه مهم و شاخصی دارند و دست‌اندرکاران رسانه ملی، از ماه‌ها قبل برای تدارک برنامه‌ها و تولید آثار هنری و آموزشی مناسب، به تکاپو می‌پردازند تا در حد توانایی‌ها، امکانات و وظایف خود و شایستگی‌های مردم، با تولیدات مفید و تاثیرگذار در مسیر همدلی و همسویی با مخاطبان تلویزیون، گام بردارند. تهیه و تولید ده‌ها برنامه و فیلم و سریال که با مؤلفه‌های مناسبتی، همخوانی درست و موثر دارند، نشانگر کوشش‌های مسئولان و هنرمندان صداوسیما در این راستاست. محرم، شهره به ماه حزن و اندوه و عزا، ازجمله مناسبت‌های مهم اجتماعی، دینی و مذهبی است که تولیدات خاص خود را جهت همدلی ملی می‌طلبد و رسانه ملی، پیوسته کوشیده در این زمینه با دست‌های پر وارد دل‌ها و خانه‌ها شود. گرچه مهم‌ترین رویدادهای محرم به وقایع و حماسه عاشوراییان و نبردهای تاسوعا و عاشورا و شهادت سرور شهیدان امام حسین (ع)، یاران وفادار ایشان و اسارت خاندان رسالت اختصاص دارد و مردم، مسلمانان و شیعیان در این ماه، سخت اندوهگین و عزادار هستند و متولیان صداوسیما با ارائه برنامه‌های عزاداری و گزارش‌های عزاداری اجتماعی، با عزاداران جهان اسلام، همنوایی می‌کنند و یاد، نام و راه عاشوراییان را گرامی می‌دارند ولی این نوع برنامه‌ها در عرضه بخش‌های عزا و اندوه خلاصه نمی‌شود، چراکه ماه محرم، افزون بر رویدادهای اندوهبار، شامل واقعیت‌ها و حقایق تاریخی، الهی، دینی و اجتماعی فراوان است که آموزش و یادآوری آنها از اهداف والای پویندگان و عاشقانه راه درخشان و نورانی الهی، روایت می‌کند. در واقع عزا و مرثیه یک‌سوی حوادث عاشورا و آموزش و رهنمایی و رهگشایی سوی دیگر آن است که هر دو بخش، از سوی تولیدکنندگان آثار سیمایی و صدایی در برنامه‌های‌شان لحاظ می‌شود. با این همه و به‌رغم تلاش‌های قابل‌تأمل و تحسین رسانه ملی در این وادی، مسائلی دیگر هم در این میان وجود دارد که کمتر مورد عنایت قرار گرفته و اغلب در حاشیه می‌مانند، این‌که در ماه محرم ده‌ها واقعه مهم دیگر هم روی داده که توجه و تولید برنامه درباره آنها لازم و دارای جنبه‌های آگاهی‌بخشی و عبرت‌آموزی و تذکر آموزه‌های الهی، قرآنی و تاریخی است. در محرم رخدادهای دیگری هم مانند: فتح خیبر، غزوه ذات‌الرقاع، شهادت امام چهارم شیعیان، قتل میثم تمار، کشته شدن جعفر برمکی، انقراض خاندان برمکی و دولت برمکیان، واقعه هلاکو و مستعصم و انقراض دولت عباسی، عروج ادریس نبی به آسمان، استجابت دعای زکریا، عبور حضرت موسی و یارانش از دریا و غرق شدن فرعونیان و... وجود دارد که نیازمند توجه‌اند و مناسب است که رسانه ملی در امتداد تولید آثار عاشوایی به‌ویژه در قالب سریال به آنها هم بپردازد. امید که در برنامه‌های پیش روی صداوسیما در حد مطلوب و مقبول به این وقایع هم پرداخته شود و رسالت رسانه ملی، بیشتر مراحل تکامل و تعالی را بپیماید.

خبر روز

هدایت در راه زندگی با معارف

برنامه «راه زندگی» از ۲۲ مرداد ۱۴۰۱ با محوریت موضوع چالش‌های تربیتی والدین به تبیین اهمیت هدفمندی در زندگی می‌پردازد. همچنین این برنامه که به همت گروه فرهنگ و جامعه تولید می‌شود، ضمن تبیین پیامدهای عدم برنامه‌ریزی صحیح در بین فرزندان ، اهمیت آن را در زندگی افراد بازگو می‌کند.برنامه راه زندگی به تهیه کنندگی محمد حسن جلالی و کارشناسی دکتر معصومی شنبه تا دوشنبه به طور زنده ساعت۱۰ از رادیو معارف پخش می‌شود.

موج

خاطرات اسرای جنگ در «پس از تاریکی»

شبکه رادیویی نمایش در طول هفته نمایش‌هایی با محوریت جنگ تولید و روانه آنتن می‌کند که با اقبال مخاطبان روبه‌رو می‌شود. این شبکه رادیویی بنا دارد از امروز پخش سریال جدید دیگری به نام «پس از تاریکی» را آغاز کند. این سریال رادیویی به یادآوری خاطرات اسرای جنگ اختصاص دارد که سال‌ها در اردوگاه‌های نیروهای بعثی شکنجه شده‌اند.

در خلاصه داستان این نمایش رادیویی آمده است: جنگ، سال‌ها خاطره به همراه خود دارد که بعد از پایان جنگ هنوز شنیدنی هستند. خاطرات اسرای جنگ بخشی از این شنیدنی‌های آن، است، جایی که تو و دشمن چهره‌درچهره یکدیگر مصاف می‌کنید. نمایش پس از تاریکی، بخشی از این خاطره‌هاست. پس از تاریکی به نویسندگی زهره سطوت، کارگردانی امیر زنده‌دلان، تهیه‌کنندگی مهدیه تقی‌زاده، افکتوری محمدرضا قبادی‌فر، صدابرداری جعفر جودتی و با هنرمندی مهدی نمینی‌مقدم و سیما خوش‌چشم از امروز شنبه ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه روی آنتن رادیو نمایش می‌رود و ساعت ۳ بامداد تکرار آن است.

اتفاق

جزئیاتی از شبکه جدید تلویزیونی

شبکه‌ای به نام «شبکه خبر۲» راه‌اندازی شده که در حال حاضر به صورت آزمایشی فعالیت می‌کند. حسن عابدینی، رئیس خبرگزاری صداوسیما در این باره به تسنیم گفت: این شبکه در ابتدا در بستر تلوبیون شکل گرفته و امکان دارد در آینده از طریق گیرنده‌های تلویزیونی هم قابل دسترس باشد. وی تأکید کرد: قرار است در این شبکه، جریان‌های خبری به صورت زنده پخش شود و مخاطبان در جریان کامل رویدادهای مهم کشور و جهان قرار بگیرند. مسأله‌ای که در حال حاضر شبکه خبر تلویزیونی به دلیل فشردگی جدول پخش، از آن رنج می‌برد. عابدینی خاطرنشان کرد: راه‌اندازی چنین شبکه‌ای در دنیا هم سابقه دارد و این امر به دلیل سرعت در اطلاع‌رسانی پدیدار شده‌است؛ یعنی بسیاری از رویدادها را به جای این‌که فقط گزارش کنیم، به طور کامل فراروی مخاطب قرار می‌دهیم. وی افزود: این شبکه بدون مجری خواهد بود و صرفا رویدادهای ایران و جهان را به صورت زنده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. ممکن است بخشی از این جریان در شبکه خبر پخش شود که در این صورت گوینده و مجری ما اعلام می‌کند مشروح این رویداد را علاقه‌مندان می‌توانند در شبکه خبر۲ به صورت زنده دنبال کنند.

زادروز

هنرمندی از خطه شیروان

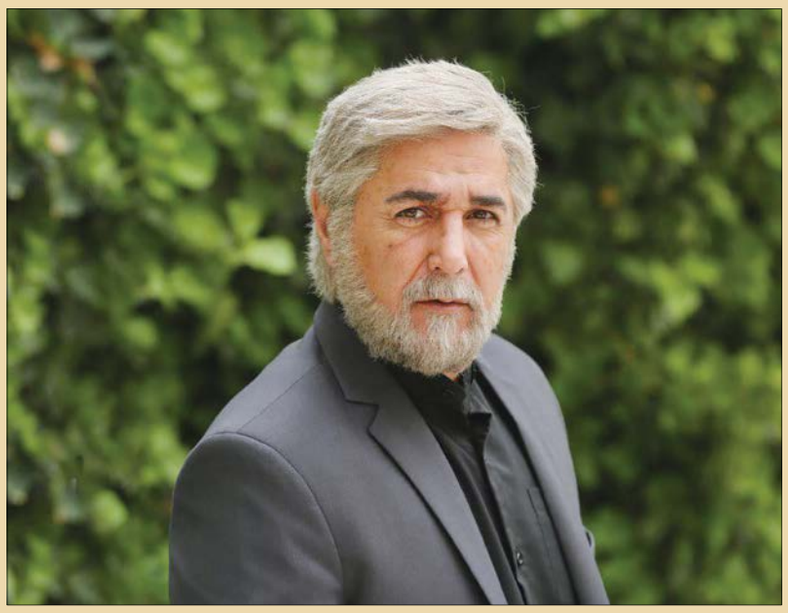

مهدی صبایی، زاده شیروان چرداول است. او فعالیتش را در سینما با فیلم سینمایی سلطان، ساخته مسعود کیمیایی سال ۷۵ آغاز کرد؛ اما با بازی در سریال تلویزیونی روزگار جوانی، ساخته اصغر توسلی که اواخر دهه۷۰ از شبکه پنج پخش شد، توانست به محبوبیت دست پیدا کند. این هنرمند امروز ۵۱ ساله شد. او در سریال‌های مختلفی همچون این زمینی‌ها، آوایی در گلستان، دختران، عشق سال‌های جنگ و... بازی کرده است. آخرین سریال او با نام صبح آخرین روز پخش شده است و تا امروز توانسته لباس شخصیت‌های مختلف را تن کند و ایفای نقش داشته باشد.